

Explaining the Innate Features of the Human Psyche in the Qur'an

Reza Payami Golhin (Level 3 student of Islamic counseling at Alam Al-Mohammed Institute,

payami@alumni.ut.ac.ir)

Hojjatollah Farahani (Assistant Professor, Department of Psychology, Tarbiat Modares University,

h.Farahani@modares.ac.ir)

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2021/12/27

Accepted: 2022/6/26

Key Words:

Quran,
psychology,
anthropology,
psychological characteristics of
human beings,
content analysis

ABSTRACT

The purpose of this study is to explain the innate features of the human psyche in the Qur'an. This study addresses the question of what the Qur'an introduces as innate features of the human psyche. The method used is content analysis, based on which first the concepts and then the sub-categories and finally the relevant categories of the Qur'an were collected. On this basis, it became clear that man can not be completely negatively analyzed, nor can his limitations be ignored. Rather, man is composed of three pairs of categories: "innate theism-ghost", "has the best possible psyche-cognitive, emotional and behavioral instability" and "talent for perfection-abuse of reason", which are "mutual perfectionism"; "Essence protection" and "wisdom and authority arising from it" explain the relationship of this pair of privilege-limitation categories. Since "cognitive, emotional and behavioral instability" has the highest repetition among the categories, special attention to this human limitation seems necessary.

تبیین ویژگی‌های سرشتی روان انسان در قرآن

رضا پیامی گلپین (نویسنده مسئول، طلبه سطح سه مشاوه اسلامی مؤسسه عالم آل محمد علیه السلام؛ payami@alumni.ut.ac.ir)

حجت‌اله فراهانی (استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس؛ h.Farahani@modares.ac.ir)

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۵

واژگان کلیدی:

روان‌شناسی اسلامی،

روان‌شناسی قرآن‌بنیان،

انسان‌شناسی قرآنی،

تحلیل مضمون

چکیده

هدف این پژوهش تبیین ویژگی‌های سرشتی روان انسان در قرآن است. این پژوهش به این پرسش می‌پردازد که قرآن چه مواردی را به‌عنوان ویژگی‌های سرشتی روان انسان معرفی می‌کند. روش به کار رفته در این پژوهش تحلیل مضمون بود که براساس آن نخست مفاهیم، سپس زیرمقولات و پس از آن مقولات مربوطه از قرآن گردآوری شد؛ بدین ترتیب مشخص شد که نه می‌توان انسان را یکسره منفی تحلیل کرد و نه محدودیت‌های او را نادیده گرفت، بلکه انسان متشکل از سه زوج مقوله «خداگرایی فطری-شُح»، «دارای بهترین روان ممکن-بی‌ثباتی شناختی، هیجانی و رفتاری» و «استعداد کمال-سوءاستفاده از خرد» است که به ترتیب «کمال طلبی دوسویه»، «صیانت نفس» و «خرد و اختیار برآمده از آن» تبیین‌گر رابطه این زوج مقوله‌های امتیازی-محدودیتی می‌باشند. با توجه به آنکه «بی‌ثباتی شناختی، هیجانی و رفتاری» بیشترین تکرار را در میان مقولات دارد، توجه ویژه به این محدودیت انسانی لازم به نظر می‌رسد.

مقدمه

انسان همواره از رفتار خود در شگفت بوده، تا آنجا که اندیشه‌های مربوط به ماهیت انسان بیشتر کتاب‌های مذهبی و فلسفی تاریخ بشر را دربر گرفته است (شولتز و شولتز، ۱۳۹۶، ص ۲۰). از نیمه دوم قرن ۱۹ و با گسترش دانش روان‌شناسی، بحث در مورد ماهیت انسان دامنه و ابعاد جدیدی یافته است. با توجه به آنکه «رویکرد علمی» و «استفاده از روش‌های آزمایشی» به‌عنوان فارق روان‌شناسی نوین از مباحث مذهبی و فلسفی باستان معرفی می‌شود (شولتز، ۱۳۹۶، ص ۲۱)، اما در «فلسفه علم» نشان داده شده که در تمام علوم (حتی طبیعیات) مشاهده «نظریه‌بار»^۱ است (چالمرز، ۱۳۹۴، ص ۴۱). جنبه دیگر تأثیرگذاری پیش‌فرض‌های پژوهشگر بر تحقیق علمی، تقدم مسئله پژوهشی بر مشاهده است (پوپر، ۱۹۶۳، ص ۴۶). پس استفاده از «روش علمی» مستلزم کنار نهادن مبانی اعتقادی و غیرآزمایشی نیست. در حوزه روان‌شناسی، مرعشی (۱۴۰۰، ص ۲۴) فهرستی از پیش‌فرض‌های اعتقادی رفتارگرایی، روان‌کاوی فروید و... را احصاء نموده است که از آن جمله می‌توان به رئالیسم،^۲ ماتریالیسم^۳ و جبرگرایی علی^۴ اشاره کرد. پس هرچند روان‌شناسی به‌عنوان علمی تجربی، پیوندی وثیق با «مشاهدات عینی» دارد؛ اما ریشه و بنیان نظریات مطرح در آن، گزاره‌های غیرعینی است. بر این اساس تنقیح مبانی نظریات روان‌شناسی بنا بر متن مقدس،^۵ هرچند غیرعلمی^۶ (به‌معنای غیرتجربی) است، ولی غیرعلمی (به‌معنای غیراستدلالی، موهوم و اساطیری) نیست؛ بلکه از آنجا که نظریات علمی در نهایت به گزاره‌های غیرتجربی می‌رسد، چنان‌که نظریات رفتارگرایی و روان‌کاوی رسید، تصریح، تنقیح و چارچوب‌بندی روشن این مبانی موجب افزایش دقت در کار تجربی و پیشگیری از اعوجاج نظری می‌شود.

اکنون که روان‌شناسی تجربی نیز مبتنی بر انسان‌شناسی است،

1. theory laden
2. realism
3. materialism
4. determinism

۵. منظور از «متن مقدس»، به‌طور خلاصه هر متن مکتوبی است که شامل قول یا فعل خدای ادیان ابراهیمی و معصومین (علیهم‌السلام) باشد؛ مانند قرآن، روایات، ادعیه، تواریخ، تورات، انجیل و... طبعاً سندیت و تفسیر هر یک از گزاره‌های این منابع در جای خود باید بررسی شود.

6. science

استفاده از «انسان‌شناسی قرآنی» به‌عنوان چارچوب تحلیل روان انسان موجه می‌نماید؛ به‌ویژه آنکه بیان کامل‌ترین و دقیق‌ترین تصویر از ویژگی‌های سرشتی روان انسان را باید از خالق او انتظار داشت (ق، ۱۶). براساس دیدگاه مسلمانان معتبرترین منبع کلام الهی، قرآن کریم می‌باشد که به‌عنوان اصلی‌ترین متن اسلامی فراعصری است (حاج ابوالقاسم دولابی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۵). این کتاب خود را تبیین‌گر همه‌چیز معرفی می‌کند (نحل، ۸۹) و امام صادق (علیه‌السلام) در شأن آن می‌فرماید: «هر آنچه که بندگان خدا به آن نیاز دارند، در قرآن بیان شده است» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۵).

اگرچه برای تکمیل و تدقیق ویژگی‌های سرشتی روان انسانی از منظر اسلام، لازم است افزون بر قرآن، سایر منابع شریعت همچون سنت و روایات معصومین (علیهم‌السلام) نیز مورد مذاقه قرار گیرند، اما قرآن به‌عنوان ثقل اکبر (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۶۶) نوعی اسکلت‌بندی برای چارچوب دین ارائه می‌دهد که در آن جایگاه سایر منابع شریعت هم مشخص می‌شود (پیامی، ۱۴۰۰، ص ۶۶، ص ۳۱-۳۶). هرچند که تبیین تفصیلی ویژگی‌های روان‌شناختی انسان در اسلام، مجالی به وسعت یک کتاب می‌طلبد؛ تبیین ویژگی‌های سرشتی روان انسان در قرآن در قالب یک مقاله پژوهشی ممکن می‌باشد و می‌تواند با ارائه اسکلت‌بندی نگاه اسلام به این موضوع، مسیر رسیدن به آن هدف بزرگ‌تر (تبیین تفصیلی ویژگی‌های سرشتی روان انسان در اسلام) را هموار سازد.

منظور از «ویژگی‌های سرشتی»،^۷ آن دسته از خصوصیات می‌باشد که در روان همه انسان‌ها مشترک است؛ برای مثال همان‌طور که «داشتن دو دست» و یا «ظهور صفات ثانویه جنسی» ویژگی مشترک جسم انسانی است و فقدان آنها معلولیت یا بیماری دانسته می‌شود، روان انسانی نیز می‌تواند ویژگی‌هایی داشته باشد که یا به صورت بالفعل با آنها متولد می‌شود (مثل غریزه بقا) و یا اینکه به‌تدریج در روند مسیر رشد و تحول آشکار می‌شود (مثل مراتب شناخت).

۷. هرچند گاه کلمه فطرت نیز برای اشاره به ویژگی‌های خلقی نوع انسان استفاده می‌شود، اما از آنجا که این کلمه در قرآن به‌معنای خاص «دین‌شناسی فطری» به کار رفته است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۱۷۸)، به جهت تمییز برای اشاره به «مجموع» ویژگی‌های روانی مشترک از تعبیر «سرشت» استفاده می‌شود.

است یا قرآن، نگاهی منحصر به فرد به ویژگی‌های روان انسان دارد؟ و آیا می‌توان با تحلیل مضمون آیات، ویژگی‌های مختلف بر شمرده شده برای روان انسانی را به شکلی نظام مند بدون آنکه مستلزم اجتماع نقیضین باشد، صورت بندی کرد؟ آیا می‌توان تضاد بین برخی صفات با برخی دیگر را تبیین کرد؟

پیشینه پژوهش

مطالعه ویژگی‌های روانی انسان، به گونه‌ای که بتواند مبنایی برای مباحث انسان‌شناختی روان‌شناسی قرار گیرد؛ به چهار روش ممکن است (خسروپناه و میرزایی، ۱۳۸۹):

۱. انسان‌شناسی تجربی: روان‌شناسی نوین تلاش داشت تا به شیوه تجربی، انسان را بشناسد؛ با این حال گاهی انسان‌شناسی این دانشمندان تجربی نیز به نادیده گرفتن شواهد تجربی متهم می‌شود؛ برای مثال از نظر اروین یالوم، فروید به سبب اعتقاد به این مبنا که انسان ماشینی است که با سازوکارهای فیزیکی-شیمیایی کار می‌کند، شواهد دال بر وجود اضطراب مرگ در بیماران خود را نادیده گرفت (یالوم، ۱۳۹۹، ص ۱۰۸).

از این رو شاید بتوان به واسطه تلاش روان‌شناسان برای ارائه شواهد تجربی در تبیین مبانی انسان‌شناسی خود با اندکی مسامحه، انسان‌شناسی آنها را تجربی خواند. هر چند تلاششان برای تجربی و عینی بودن گزاره‌ها مانع اختلاف نظرهای اساسی در تبیین ماهیت انسان نشده باشد: ساینگتون (۱۳۹۹، ص ۲۵-۵۳) این انسان‌شناسی‌های تجربی مکاتب مختلف روان‌شناسی را بر اساس نوع نگاه به ماهیت انسان در سه گروه دسته بندی می‌کند: نخست، مکتب روان‌کاوی و در صدر آنها فروید که نگاهی بدبینانه به انسان دارد. سپس مکتب رفتارگرایی با موضوعی بی طرفانه و سرانجام موضع مثبت نظریه پردازان کمال (انسان‌گراها) است.

۲. انسان‌شناسی شهودی یا عرفانی: این نوع انسان‌شناسی به شیوه شهودی و از راه علم حضوری انجام می‌شود (خسروپناه و میرزایی، ۱۳۸۹).

۳. انسان‌شناسی فلسفی: در این روش تلاش می‌شود تا از راه اقامه «استدلالات عقلی» ویژگی‌های انسان تبیین شود (خسروپناه و میرزایی، ۱۳۸۹).

۴. انسان‌شناسی دینی: در این شیوه به جای مطالعه تجربی،

البته زیرموضوعات انسان‌شناسی اسلامی، گسترده‌تر از ویژگی‌های روانی مشترک انسان است، چون «انسان‌شناسی» به سؤالات کلی و بنیادین در مورد انسان پاسخ می‌دهد؛ مانند اینکه آیا انسان خالقی دارد؟ آیا خلقت انسان هدفمند است؟ آیا وجود او منحصر در جسم است یا او بعدی دیگر هم دارد؟ آیا پس از مرگ، انسان از بین می‌رود یا حیاتی دیگر دارد و... (مرعشی، ۱۴۰۰، ص ۵۱). هر چند پاسخ به هریک از این پرسش‌ها می‌تواند روی شناخت، هیجان و حتی رفتار فرد تأثیر بگذارد، اما آن بخشی از دانش انسان‌شناسی که بیش از همه در علم روان‌شناسی مورد نظر است؛ مباحثی در مورد ویژگی‌های روان انسان می‌باشد که مورد استفاده مستقیم نظریه پردازان مکاتب مختلف روان‌شناسی قرار می‌گیرد و این مقاله صرفاً به آنها می‌پردازد.

اینکه مکاتب گوناگون روان‌شناسی با وجود تمام تفاوت‌ها در ارائه ضمنی یا صریح نگاه خود نسبت به ماهیت انسان، اشتراک دارند؛ نشان‌دهنده ضرورت و اهمیت ارائه تبیین روان‌شناسی اسلامی از ماهیت روان انسانی است تا از این رهگذر بتوان به چارچوبی برای تبیین رفتار و هیجان‌های انسانی، سلامت روانی، اختلالات و درمان رسید. همچنین جمع بندی این ویژگی‌های مشترک بیان شده در قرآن با یک چارچوب واحد، برای توسعه دانش روان‌شناسی اسلامی (به ویژه در حوزه‌های روان‌سنجی، آسیب‌شناسی روانی و...) ضروری می‌نماید.

پرسش‌های پژوهش

هریک از مکاتب، «ویژگی‌های مشخص و مشترکی» را برای روان انسان برمی‌شمارد و معتقد است که افراد مختلف با این ویژگی‌های ذاتی و مشترک متولد می‌شوند. خصوصیات که می‌تواند در بدو تولد و یا در سال‌های بعدی در شناخت، انگیزش و رفتار فرد بروز یابد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که دیدگاه قرآن، به عنوان ثقل اکبر و اصلی‌ترین منبع دین اسلام، در مورد ویژگی‌های روانی مشترک انسان‌ها چیست؟ به بیانی دیگر این مقاله، بخشی از «انسان‌شناسی قرآنی» را مورد مطالعه قرار می‌دهد که به طور مستقیم و صریح به عنوان مبنا در روان‌شناسی به کار می‌رود. همچنین این پژوهش به این پرسش می‌پردازد که آیا این دیدگاه، مشابه دیدگاه‌های موجود در نزد سایر مکاتب روان‌شناسی

شخصیت انسان از دیدگاه قرآن کریم را براساس میزان تسلط عقل بر نفس به سه مرحله نفس اماره، نفس لوامه و نفس مطمئنه تقسیم می‌کنند و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها با ابعاد سه‌گانه شخصیت از دیدگاه فروید (اید، ایگو و سوپرایگو) را می‌سنجند. بخش گسترده‌ای از این تحقیق نیز به تبیین شخصیت سالم از دیدگاه قرآن اختصاص می‌یابد و در بخش توصیفی، بررسی کاملی نسبت به آیاتی که صفات روانی انسان را برمی‌شمرند، صورت‌نگرفته است؛ همچنین در این پژوهش بین مراحل رشد شخصیت و بخش‌های مختلف آن خلط شده است، مثلاً «نفس مطمئنه» بخشی از شخصیت انسان‌ها نیست بلکه مرحله‌ای از رشد شخصیت انسانی می‌اشد که در آن فرد به اطمینان می‌رسد.^۱ پس «اطمینان» را برخلاف «امرکنندگی به سوء»، نمی‌توان ویژگی مشترک نفوس انسانی دانست.

در پژوهش صالحی و مهربان (۱۳۸۷) انسان از نظر اسلام، موجودی دوبعدی با سرشت مشترک و آزادی و اختیار در انتخاب سرنوشت خود معرفی شده است. هرچند این تحقیق در موضوعات مورد بررسی جمع‌بندی مناسبی کرده، اما این مطالعه نیز به همه ویژگی‌های مشترک انسانی از دیدگاه اسلام (یا قرآن) نپرداخته است.

در روان‌شناسی با محوریت قرآن، نجاتی (۱۳۶۷)، ص ۳۳۰-۳۴۰ افراد مختلف را از جهت شخصیت به سه دسته مؤمن، کافر و منافق تقسیم می‌کند و ویژگی‌های هر گروه را براساس قرآن تبیین می‌نماید. طبعاً ویژگی‌های یک گروه خاص (مثلاً مؤمنان) قابل تعمیم به عموم انسان‌ها نیست. در همین زمینه اژه‌ای (۱۳۸۵) صفات انسان در قرآن را به سه دسته تقسیم می‌کند: صفاتی که با دخالت انسان (استفاده از اختیار) شکل می‌گیرند (مثل هیله‌گری، جدل و کفرورزی)، صفاتی که زمینه خلقت انسان ایجاد می‌کند تا چنین صفاتی داشته باشد (مثل شتابزدگی، ضعف و عدم میانه‌روی) و در نهایت صفاتی که از «زمینه خلقت» انسان ناشی نمی‌شود؛ ولی مجموعه واحدهای منجر به زمینه طبیعی انسان، او را مقتضی داشتن چنین صفاتی می‌کند (مثل زیاده‌خواهی، ضررگرزی، طغیانگری در بی‌نیازی و

شهودی و یا عقلی از «روش نقلی» در مطالعه متن مقدس استفاده می‌شود (خسروپناه و میرزایی، ۱۳۸۹).

بهترین شیوه از میان این چهار روش، مراجعه به متن مقدس است؛ زیرا خدا به‌عنوان خالق انسان، دقیق‌ترین شناخت را از او دارد (خسروپناه و میرزایی، ۱۳۸۹).

دو نوع پژوهش انسان‌شناسی دینی

پژوهش‌های انسان‌شناسی دینی را می‌توان به دو دسته توصیفی و تجویزی تقسیم کرد؛ در بخش پژوهش‌های تجویزی، فقیهی (۱۳۹۸) ویژگی‌های روان‌شناختی انسان برای تربیت مطلوب در دوره نوجوانی را با تأکید بر دیدگاه اسلامی گردآوری کرده است. اصفهانی خالقی (۱۳۹۴) ویژگی‌های شخصیت سالم از دیدگاه اسلام را بررسی می‌کند. «انسان کامل (مطلوب) از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی» نیز عنوان مقاله‌ای از آذربایجانی (۱۳۷۵) است. رجبی (۱۳۹۵) انسان سالم و شخصیت سالم از دیدگاه قرآن را تبیین می‌کند. قنبرپور و همکاران (۱۳۹۴)، شخصیت سالم از منظر قرآن را تحلیل و با دیدگاه‌های روان‌شناسی مقایسه کرده‌اند و در نهایت علوی‌نژاد (۱۳۷۷) انسان سالم از دیدگاه قرآن را مورد بررسی قرار می‌دهد.

از آنجا که نخستین هدف علم، توصیف پدیده‌ها است؛ پیش از سخن از ویژگی‌های «انسان مطلوب» باید انسان بالفعل را شناخت. تبیین ویژگی‌های مطلوب انسانی، هرچند می‌تواند به‌عنوان یک هدف و آرمان برانگیزاننده باشد، اما این «توصیف عینی انسان» است که پیش‌بینی درست از او را ممکن و امکان کنترل و اعمال تغییرات برای رسیدن به قله مطلوب را فراهم می‌سازد.

انسان‌شناسی دینی توصیفی (عینی): نخست باید در نظر داشت که برخی صفات، ویژگی سرشتی جمیع انسان‌ها نیست، بلکه افرادی خاص در شرایطی ویژه ممکن است به آن مرتبه برسند؛ برای مثال هرچند غیرانبیا نیز مخاطب وحی واقع شده‌اند (قصص، ۷)، اما در نهایت می‌توان گفت که دریافت وحی، یک هدف بالقوه است و نه یک ویژگی عام انسانی (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۷، ص ۱۶۶). پس این دسته از صفات خارج از موضوع تحقیق می‌باشند.

اما علایی رحمانی، پاک‌نیت و غلامی‌نژاد (۱۳۹۷)،

۱. ترجمه: ای جان آرام گرفته! (جانی که در سایه کمال تقوا به مرتبه‌ای رسیده است که هواها و شیاطین توان انحرافش را ندارند).

در نتیجه واجد سطح بالاتری از سلامت روان شود، این فراموش‌کاری تعدیل می‌شود.

شجاعی (۱۳۹۵) ساختار شخصیت را براساس قرآن، روایات و کتب اخلاق اسلامی در چارچوب رویکرد صفات با پانزده عامل تبیین می‌کند. این تحقیق تفاوتی بین ویژگی‌های سرشتی انسان و خصوصیات اکتسابی قائل نشده است؛ همچنین در این پژوهش محوریتی برای قرآن (به‌عنوان مصدر اصلی تشریح و نقل اکبر) و سپس جایگاه ویژه‌ای برای روایات نسبت به سایر منابع در نظر گرفته نمی‌شود. این امر موجب شده صفات براساس ویژگی‌هایی فارغ از منبع بیان آنها و صرفاً مبتنی بر روابط مفهومی‌شان همانند شمول معنایی و...، از ۱۰۳ مورد به ۱۵ مورد کاهش یابند. حال آنکه برای انتساب نتیجه پژوهش به «اسلام» ناگزیر از تشخیص صفات مهم‌تر و نحوه ادغام و تقلیل صفات براساس متن مقدس - و نه صرف معنا - می‌باشیم؛ برای مثال شاید صفتی مورد تأکید ویژه قرآن باشد و حال آنکه در منابع غیروحیانی، لغت دیگری یافت شود که اعم از این صفت است. در این موارد به صرف اعم بودن واژه یادشده نمی‌توان صفت مزبور در آیه را در آن واژه ادغام کرد، چون خالق حکیم و آموزنده بیان (الرحمن، ۴)، خود به آن لغت آگاه‌تر از بندگان بوده، ولی با این حال لفظ خاصی را استفاده کرده است. در صورت مراعات نشدن اولویت‌بندی متن مقدس، «فرهنگ لغات» که صفاتی اعم از منابع اسلامی را شامل می‌شود، منبع بهتری برای جمع‌آوری، ادغام و تقلیل صفات است.

همچنین مطالعه مزبور، «نادیده گرفتن تفاوت‌های فرهنگی» را به‌عنوان مشکل عمده در تعیین، تعریف و شناسایی صفات در تحقیقات پیشین مطرح کرده است. حال آنکه نظریه‌پردازان متعدد نامبرده شده در تحقیق مذکور از فرهنگ غربی بوده و بعضاً حتی همکار بوده‌اند؛ با این حال هر یک صفاتی را به‌عنوان عوامل اصلی تعیین‌کننده شخصیت مطرح می‌کنند؛ بنابراین نمی‌توان تفاوت‌های فرهنگی را علت تفاوت مؤلفه‌های شخصیت در بین نظریات مختلف صفات دانست.

شاید پاسخ این مسئله در «نظریه بار بودن مشاهدات» و «تقدم مسئله پژوهشی بر مشاهده» نهفته باشد؛ به بیانی دیگر از میان انبوه صفات یادشده در فرهنگ لغات، توجه هر محقق به

بخل). اگرچه این پژوهش، ویژگی‌های فراوانی از صفات انسانی در قرآن را تجمیع کرده، اما بیان این موارد از باب نمونه است و نه احصای کامل.

با توجه به ظهور آیات، صفات جدل‌پیشگی و کفرورزی نیز جزء صفاتی است که در خلقت جمیع انسان‌ها (حتی پیامبران) وجود دارد؛ زیرا خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا» (کهف، ۵۴)، مثلاً حضرت ابراهیم علیه السلام نیز با فرستادگان الهی برای گرفتن فرصتی دیگر برای قوم لوط جدال کرد (هود، ۷۴-۷۵)؛ ولی فرستادگان هنگامی که قطعیت حکم را بیان می‌کنند، دیگر جدالی از حضرت ابراهیم علیه السلام گزارش نمی‌شود (هود، ۷۶). همانند آن ماجرای حضرت نوح علیه السلام است که بنابر وعده الهی در نجات یافتن «اهل» خود، پس از وقوع طوفان در نهایت ادب و خضوع بندگی، از پروردگار می‌پرسد که چرا فرزندش با آنکه از اهلش بود، نجات نیافت؟ این پرسش‌گری، همان ذات جدلی انسان می‌باشد که در سؤالات حضرت موسی علیه السلام از خضر علیه السلام نیز شاهد آنیم؛ اما پس از اینکه خداوند توضیح می‌دهد که پسرش از اهل وی نبود و چیزی را که نمی‌دانی درخواست نکن، نوح علیه السلام بلافاصله به پروردگارش عرضه می‌دارد: «من از اینکه چیزی را که به آن علم ندارم، از تو بخواهم؛ به تو پناه می‌برم و اگر مرا نیامرزی و بر من رحم نکنی، از زیانکاران خواهم بود» (هود، ۴۷). پس تفاوت انبیا با انسان‌های معمولی در ادامه ندادن جدال است.

و به همین سیاق است «کفرورزی». نویسنده از «فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ» (شوری، ۴۸) نتیجه می‌گیرد که کفرورزیدن به اختیار انسان می‌باشد و نه اینکه در سرشت اوست، اما اگر توجه داشته باشیم که منظور از کفور در این آیه فراموش کردن نعمات الهی است و نه کفر مصطلح (به معنای پرستش غیر خدا)، آنگاه قابل تصور است که حتی مسلمانان و مؤمنان نیز درجاتی از کفور بودن را داشته باشند؛ زیرا اساساً ما نمی‌توانیم نعمت‌های الهی را شمارش کنیم،^۱ بلکه خدا نعماتش را حتی به برترین انسان‌ها، یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله، نیز یادآوری می‌کند (سوره ضحی و...). پس انسان ذاتاً به شکلی آفریده شده است که نعمات را فراموش می‌کند، ولی به اندازه‌ای که فرد در درجات بندگی پیش برود و

۱. وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَكَفُورٌ رَحِيمٌ (نحل، ۱۸).

روش پژوهش

این تحقیق مبتنی بر روش تحلیل مضمون می‌باشد. تفاوت اصلی این روش با تحلیل محتوا در آن است که روش تحلیل محتوا توصیفی و روش تحلیل مضمون تفسیری است؛ یعنی در تحلیل محتوا پژوهشگر داده‌های آشکار را مبنا قرار می‌دهد و کدگذاری مطابق واژه‌های به‌کار رفته در متن انجام می‌شود (قائدی و گلشنی، ۱۳۹۵) تا بتوان بهتر متن را توصیف کرد؛ اما در تحلیل مضمون که یک روش کیفی محض است، تلاش می‌شود تا مضامین نهفته در کلام آشکار شوند.

تعیین محدوده پژوهش و انتخاب راهبرد گردآوری اطلاعات دو گام ابتدایی این روش هستند. بر این اساس محقق با راهبرد «جستجوی واژگانی» و «متن‌خوانی باز» می‌تواند واحدهای معنایی را شناسایی کند (شجاعی، ۱۳۹۹). پس از این گام‌های مقدماتی، نخست واحدهای معنایی^۱ شناسایی و کدگذاری می‌شوند (Bengtsson, 2016). هدف اصلی کدگذاری، رسیدن به سطح مفهومی بالاتر است (ابوالمعالی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۶۴). پس این کدها به شکل نظام‌مند طبقه‌بندی می‌شوند (Hsieh & Shannon, 2005)؛ به این کدها «مضمون»^۲ نیز گفته می‌شود. مضامین می‌توانند کلمه، عبارت، جمله یا بیشتر باشند (Yan Zhang & Barbara, 2005, p2)؛ همچنین انتزاع^۳ می‌تواند برای مرتبه دوم نیز انجام شود. در آن صورت به حاصل انتزاع مرتبه اول، زیرمقولات و به حاصل انتزاع مرتبه دوم، مقولات^۴ گفته می‌شود (Bengtsson, 2016).

احصای واحدهای معنایی و استنتاج مضامین

نخست با استفاده از نرم‌افزار جامع التفسیر^۲، کلیدواژه‌های انسان، آدم و بشر جستجو و نتایج تجمیع شد. بر این اساس کلمه «انسان» در ۶۳ آیه به‌کار رفته است که از این تعداد، ۳۱ آیه مرتبط با موضوع پژوهش می‌باشد. گذشته از اینکه بنی آدم، اخص از انسان دانسته شده، به طوری که قبل از آدم (علیه السلام) انسان‌های دیگری بر روی زمین زندگی می‌کردند (مجلسی، ج ۵۴، ص ۳۱۶)، ۲۵

صفات خاصی جلب می‌شود و با وجود استفاده از روش‌های عینی‌ساز (مثل تحلیل عاملی)، همچنان اختلاف نظر جدی بین عوامل اصلی شخصیت در نظریه پردازان صفات مشاهده می‌شود. پس هر قدر جامعه‌ای که صفات از آن گردآوری می‌شود، بزرگ‌تر شود؛ احتمال تأثیر خودآگاه یا ناخودآگاه پیش‌فرض‌های پژوهشگر در انتخاب صفات بخصوص بالاتر می‌رود. در واقع محقق، از یک سو برای حصول اطمینان نسبی از فحص و احصای کامل، ناگزیر به توسعه جامعه است و از سوی دیگر این امر به عینیت تحقیق خدشه وارد می‌سازد، اما روان‌شناسی با رهیافت قرآنی که مبتنی بر کامل‌ترین و دقیق‌ترین متن موجود در نزد بشر است؛ با وجود تأمین جامعیت، به سبب محدود شدن به تعداد بسیار کمتری از صفات، تأثیر نامطلوب پیش‌فرض‌های پژوهشگر را به مراتب کاهش می‌دهد.

نهایتاً اینکه در منابع اسلامی، گاهی یک صفت شخصیتی واحد براساس متعلق آن ارزیابی مثبت یا منفی می‌شود؛ برای مثال پژوهش شجاعی (۱۳۹۵)، شادی را در قطب مثبت و غمگینی را در قطب منفی حوزه معنایی شادکامی می‌داند. حال آنکه غمگینی نسبت به معصیت از صفات مثبت است (آل‌عمران، ۱۵۳) و یا اضطراب را در قطب منفی و ایمنی را در قطب مثبت حوزه معنایی طمأنینه می‌داند؛ درحالی‌که از ویژگی‌های مؤمنان نگرانی و اضطراب نسبت به قیامت است (انبیاء، ۴۹).

در مجموع به نظر می‌رسد، قرار دادن قرآن در جایگاه محوری خود در هندسه منابع دین و توسعه رویکرد صفات مبتنی بر «روان‌شناسی با رهیافت قرآنی»، می‌توانست بسیاری از اشکالات وارده را برطرف سازد.

کاوایی در کتاب روان‌شناسی در قرآن (۱۳۹۵، ص ۳۹-۴۱)، ذیل عنوان «انسان و ویژگی‌های روان‌شناختی دارد»، فهرستی از آیاتی را ارائه می‌دهد که به ویژگی‌های روان‌شناختی مشترک انسان‌ها اشاره دارند و این ویژگی‌ها را مستحق پژوهش می‌داند؛ با این حال تحقیقی که به این مهم بپردازد، یافت نشد و محققان حاضر از نخستین پژوهشگرانی هستند که تلاش می‌کنند تا آیات بیانگر ویژگی‌های روان‌شناختی مشترک انسان‌ها را به روش تحلیل مضمون به شکلی نظام‌مند ارائه دهند.

1. meaning units
2. theme
3. condense
4. category

در بدو تولد بروز یابد و یا در سال‌های پس از آن. پس آیاتی که ویژگی‌های روانی بالقوه ممکن برای انسان را بیان می‌کنند، خارج از موضوع پژوهش قرار می‌گیرند.

از فروعات این نکته نیز آنکه عباراتی که به صورت مشروط، جزای یک رفتار یا شناخت خاص را بروز یک ویژگی روانی در انسان معرفی می‌کنند، خارج از موضوع این تحقیق باشند؛ برای مثال آیه ۱۳ سوره احقاف می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». در این آیه نداشتن خوف و حزن، نتیجه بیان کلمه توحید و استقامت است و نه یک ویژگی روانی اولیه در همه انسان‌ها و البته که همه انسان‌ها به صورت بالقوه این امکان را دارند که به مقام «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» برسند.

همچنین باید در نظر داشت که برخی از ویژگی‌های یادشده برای نوع انسان و از ویژگی‌های غیرروانی او می‌باشند (مثل آفریده شدن از نطفه، داشتن زبان، دولب و...) این ویژگی‌ها نیز هرچند در بررسی‌های انسان‌شناسی می‌تواند به کار رود، اما ذیل ویژگی‌های روان انسانی نمی‌گنجد و خارج از موضوع تحقیق می‌باشند.

در پایان با مراجعه به کتاب‌های انسان‌شناسی از منظر قرآن و حدیث (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۷)، انسان‌شناسی (معارف قرآن ۳) (مصباح یزدی، ۱۳۹۳)، انسان در قرآن (مطهری، ۱۳۹۰)، انسان‌شناسی قرآن (مطهری، ۱۳۹۲)، انسان‌شناسی اسلامی (برنجکار، ۱۳۹۳)، موارد معدودی از آیات مرتبط با بحث نیز گردآوری شد.

بر این اساس تعداد ۵۶ واحد معنایی استخراج شد و با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA Analytics Pro 2020، به آنها یک کد اختصاص یافت. در این کدگذاری از تفسیر المیزان (طباطبایی، ۱۴۱۷ق)، ترجمه آیت‌الله مشکینی (۱۳۸۹) و حجت‌الاسلام انصاریان (۱۳۹۱) و لغت‌نامه‌ی تحقیق (مصطفوی، ۱۳۶۰) استفاده شد.

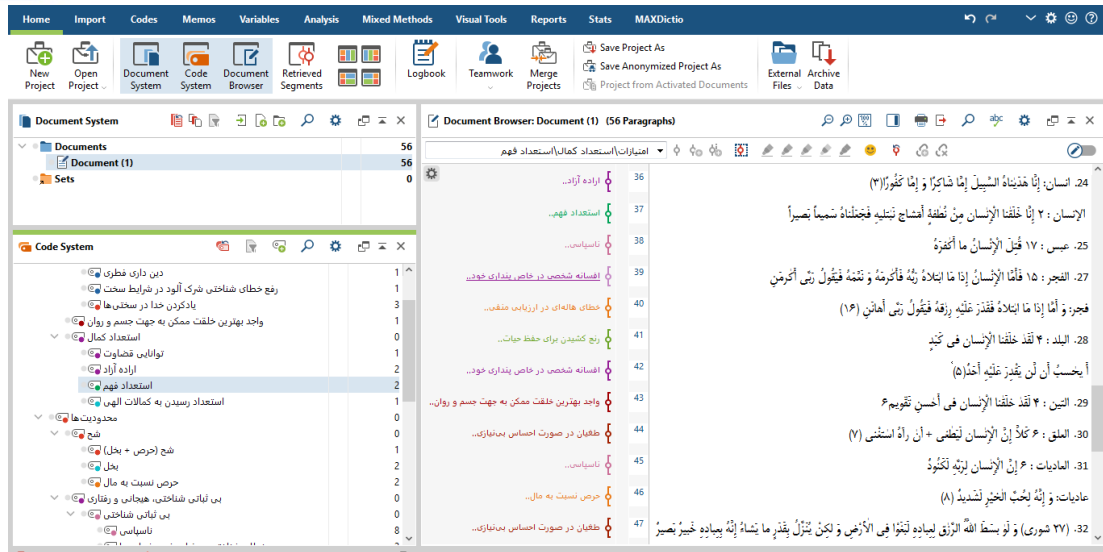
آیه‌ای که در آنها تعبیر (بنی) آدم به کار رفته است، به ویژگی‌های روان‌شناختی او نمی‌پردازند؛ با این حال می‌توان از آیه ۷۰ سوره اسراء استفاده مرتبط با بحث داشت.

۳۷ آیه مشتمل بر «بشر» و مشابه آن هم مرتبط با ویژگی‌های روان‌شناختی او نیست و تنها یکی از آیات حاوی لفظ «عباد» یافت شد که اشاره‌ای به ویژگی‌های روان‌شناختی انسان داشته باشد (شوری، ۲۷).

گفتنی است تعبیری چون مؤمنین، صالحین، ابرار، اولیا، کافرین، منافقین، مکذبین و... به گروه‌های خاصی از انسان‌ها اشاره دارند و ویژگی‌های روان‌شناختی آنها را نمی‌توان به همه انسان‌ها تعمیم داد؛ همچنین تعبیری چون ناس، قوم، رهط و... نیز برای اشاره به جمعی از انسان‌ها به کار می‌رود، پس در حیطه جامعه‌شناسی می‌گنجد؛ زیرا موضوع دانش روان‌شناسی، «فرد» است (سالاری‌فر و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۶).

همچنین در مواردی هرچند انسان به همراه «ال» و به صورت اسم جنس آمده است، اما در سیاق آیات مشخص می‌شود که منظور گروه خاصی از انسان‌هاست و نه تمام آنها؛ برای نمونه منظور از «الانسان» در آیه ۶ سوره انفطار (يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ)، افراد تکذیب‌کننده روز جزا هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۲۲۴) و نه عموم انسان‌ها. پس چنین مواردی از واحدهای معنایی کنار گذاشته می‌شوند.

همچنین یادآور می‌شود که موضوع این تحقیق، ویژگی‌های سرشتی روان انسانی از دیدگاه قرآن بوده است. توضیح اینکه انسان‌ها شاید براساس مسیرهای بالقوه ممکن که در درختواره رشد می‌پیمایند (برک، ۱۳۹۹، ص ۲۳)، به مرور زمان دارای خصوصیات مختلفی شوند؛ برخی به دسته مؤمنین و ابرار داخل شوند و برخی به دسته کافرین و منافقین. ویژگی‌هایی که به واسطه انتخاب و مسیرهای رشد متفاوت در انسان‌ها بروز می‌کند، ویژگی‌های ثانویه روان او هستند. پس منظور از «ویژگی‌های سرشتی روان»، آن دسته از خصوصیات است که به صورت پیش فرض در نهاد انسان به ودیعه گذاشته می‌شوند؛ اعم از اینکه



مطرح شد: آیا آیه دیگری در قرآن سراغ دارید که به یک ویژگی اولیه روان‌شناختی نوع انسان اشاره داشته باشد؟ که مطرح نشدن حتی یک آیه جدید از سوی اساتید و قرآن‌پژوهان، سطح اطمینان نسبت به فحوص و احصای کامل آیات مرتبط با بحث را ارتقا داد. در جدول زیر واحدهای معنایی، مفهوم منتزع از آنها و مجموع نمرات نگرش‌سنجی گزارش شده است.

سرانجام برای سنجش روایی مفاهیم منتزع و تدقیق مضامین استنتاج‌شده از آیات در قالب یک پرسش‌نامه، نگرش‌سنج تن از اساتید و قرآن‌پژوهان حوزوی نسبت به انتزاعات مزبور در قالب لیکرت پنج درجه‌ای از صفر (کاملاً مخالفم) تا چهار (کاملاً موافقم) سنجیده شد. همچنین لازم به ذکر است که در پایان پرسش‌نامه، این سؤال

واحد معنایی	مفهوم منتزع	نگرش‌سنجی	توضیحات
النساء ۲۸: يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفاً	ضعف	۱۹	مشکینی: و انسان (در برابر شهوات نفسش) ناتوان آفریده شده است.
یونس ۱۲: وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِداً أَوْ قَائِماً	یادکردن خدا در سختی‌ها	۱۵	
یونس ۱۲: فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ صُورَهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ صُرْمَتِهِ كَذَلِكِ زُيِّنَ لِلْمُؤْمِنِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ	فراموش کردن لطف الهی	۱۹	
هود ۱۱: وَ لَئِن أَدْقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَكَيْفُوسٌ كَفُورٌ	ناسپاسی	۱۹	به خاطر تعبیر «کفور»
هود ۱۱: وَ لَئِن أَدْقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَكَيْفُوسٌ كَفُورٌ	یأس در مقابل سختی‌ها	۱۸	به خاطر تعبیر «یؤس»
إبراهیم ۳۴: وَ اتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَ إِنْ تَعَدَّوْا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصَوْهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لظَلُومٌ كَفَّارٌ	ناسپاسی	۱۸	
التحل ۴: خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ	بحث و جدل با آفریدگار	۱۲	
الإسراء ۱۱: وَ يَدْعُ الْإِنْسَانَ بِالشَّرِّ دُعَاءَ بِالْخَيْرِ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولاً	عجله	۱۸	
الإسراء ۶۷: وَ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَجَاكُمُ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ كَفُوراً	ناسپاسی	۲۰	
الإسراء ۶۷: وَ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَجَاكُمُ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ كَفُوراً	رفع خطای شناختی شرک آلود در شرایط سخت	۱۸	
الإسراء ۸۳: وَ إِذَا أَعْمَنَّا عَلَى الْإِنْسَانِ آعْرَضَ وَ تَأَىٰ بِجَانِبِهِ	فراموش کردن لطف الهی	۱۹	
اسراء ۸۳: وَ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَؤُوساً	یأس در مقابل سختی‌ها	۱۹	
الإسراء ۱۰۰: قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذَا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ قَتُوراً	بخل	۱۹	
الكهف ۵۴: وَ لَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدلاً	بحث و جدل با آفریدگار	۱۶	

واحد معنایی	مفهوم منتزع	نگرش سنجی	توضیحات
۱۵	الانبیاء: ۲۷: خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَارِكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ	۱۸	عجله
۱۶	الحج ۶۶: وَ هُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ	۱۸	ناسپاسی
۱۷	الأحزاب ۷۲: إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أَسْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ	۱۴	استعداد رسیدن به کمالات الهی
۱۸	یس ۷۷: أَوْ لَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ حَصِيمٌ مُبِينٌ	۱۲	بحث و جدل با آفریدگار
۱۹	الزمر ۸: وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ	۱۹	فراموش کردن لطف الهی
۲۰	الزمر ۸: وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ	۱۸	یاد کردن خدا در سختی‌ها
۲۱	الزمر ۴۹: فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا	۱۹	یاد کردن خدا در سختی‌ها
۲۲	الزمر ۴۹: ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِمَّا قَالِ إِنَّمَا أُوتِيْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ	۱۸	اسناد موفقیت به خود
۲۳	فصلت ۴۹: لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ دَعَاءِ الْخَيْرِ	۱۸	حرص نسبت به مال
۲۴	فصلت ۴۹: وَ إِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيُؤَسِّ قَنُوطًا	۱۹	یأس در مقابل سختی‌ها
۲۵	فصلت ۵۰: وَ لَئِنْ أَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِمَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّهُ لَيَقُولُنَّ هَذَا لِي	۲۰	اسناد موفقیت‌ها به خود
۲۶	فصلت ۵۰: وَ مَا أَطَّلَ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَ لَئِنْ رُجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لِلْخُسْنَىٰ	۱۶	خطای هاله‌ای در ارزیابی مثبت
۲۷	فصلت ۵۱: وَ إِذَا أَنْعَمْنَا عَلَىٰ الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ نَأَىٰ بِجَانِبِهِ	۱۹	خطای شناختی در فراموشی دشواری‌ها
۲۸	فصلت ۵۱: وَ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ قَدَّو دَعَا غَرِيضَ	۱۸	واکنش‌های هیجانی در سختی‌ها
۲۹	الشوری ۴۸: وَ إِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِمَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا	۱۹	خطای شناختی در فراموشی دشواری‌ها
۳۰	شوری ۴۸: وَ إِنْ نُصِيبُهُمْ سَيْئَةً بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ	۱۹	ناسپاسی
۳۱	الزخرف ۱۵: إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُبِينٌ	۱۹	ناسپاسی
۳۲	المعارج: إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا (۱۹) إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا (۲۰)	۲۰	واکنش‌های هیجانی در سختی‌ها
۳۳	معارج: وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا (۲۱)	۲۰	بخل
۳۴	القيامة ۵: بَلْ يَرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ	۱۸	جدال کردن در مورد قیامت برای باز کردن راه ارضای امیال
۳۵	القيامة: بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ (۱۴) وَ لَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِرَهُ (۱۵)	۱۹	خودآگاهی نسبت به امیال با وجود بهانه تراشی
۳۶	انسان: إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا (۳)	۱۸	اراده آزاد
۳۷	الإنسان ۲: إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا	۱۹	استعداد فهم
۳۸	عبس ۱۷: قَتِيلَ الْإِنْسَانِ مَا أَكْفَرَهُ	۲۰	ناسپاسی
۳۹	الفجر ۱۵: فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنُ	۲۰	افسانه شخصی در خاص پنداری خود
۴۰	فجر: وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِيقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِي (۱۶)	۲۰	خطای هاله‌ای در ارزیابی منفی
۴۱	البلد ۴: لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ	۱۶	رنج کشیدن برای حفظ حیات
۴۲	بلد: بَلَدٌ: أَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ (۵)	۱۸	افسانه شخصی در خاص پنداری خود
۴۳	التين ۴: لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ	۱۷	واجد بهترین خلقت ممکن به جهت جسم و روان
۴۴	العلق: كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَلُي (۶) أَنْ رَأَاهُ اسْتغْنَىٰ (۷)	۲۰	طغیان در صورت احساس بی‌نیازی
۴۵	العاديات ۶: إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ	۲۰	ناسپاسی
۴۶	عاديات: وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (۸)	۱۹	حرص نسبت به مال
۴۷	شوری ۲۷: وَ لَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَ لَكِنْ نُنزِّلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنََّّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ	۱۹	طغیان در صورت احساس بی‌نیازی
۴۸	الإسراء ۷۰: وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا	۱۷	کرامت ذاتی
۴۹	الأعراف ۱۷۲: وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ	۱۸	خداشناسی فطری
۵۰	الروم ۳۰: فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا	۱۸	دینداری فطری

واحد معنایی	مفهوم منتزع	نگرش سنجی	توضیحات
۵۱	نساء: وَ أَحْضَرْتُ الْأَنْفُسَ الشَّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (۱۲۸)	شح	۱۸
۵۲	لقمان ۱۲: وَالْقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَ مَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ	اراده آزاد	۱۸
۵۳	نحل ۷۸: وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَرَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ	استعداد فهم	۱۸
۵۴	شمس: وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّيْنَاهَا (۷) فَأَلْهَمَهَا فِجْوَاهَا وَ تَقْوَاهَا (۸)	توانایی قضاوت	۱۸
۵۵	هود: وَ لَنْ أَقْنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضِرَاءٍ مَسْتَه لِيُقُولَ ذَهَبَ السَّيِّئَاتِ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحَ فَخُورًا (۱۰)	اسناد موفقیت‌ها به خود	۱۸
۵۶	حجر: وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَكَةِ إِنِّي خَلِقُ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ (۲۸) فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (۲۹)	دارای دو بعد الهی و خاکی	۱۸

مقوله‌بندی

«مقولات تبیین‌گر رابطه امتیازات و محدودیت‌ها» دسته‌بندی

در دو مرحله استنتاج، نخست زیرمقولات و سپس مقولات به دست می‌شود.

آمد؛ این مقولات در سه بخش کلی «امتیازات»، «محدودیت‌ها» و

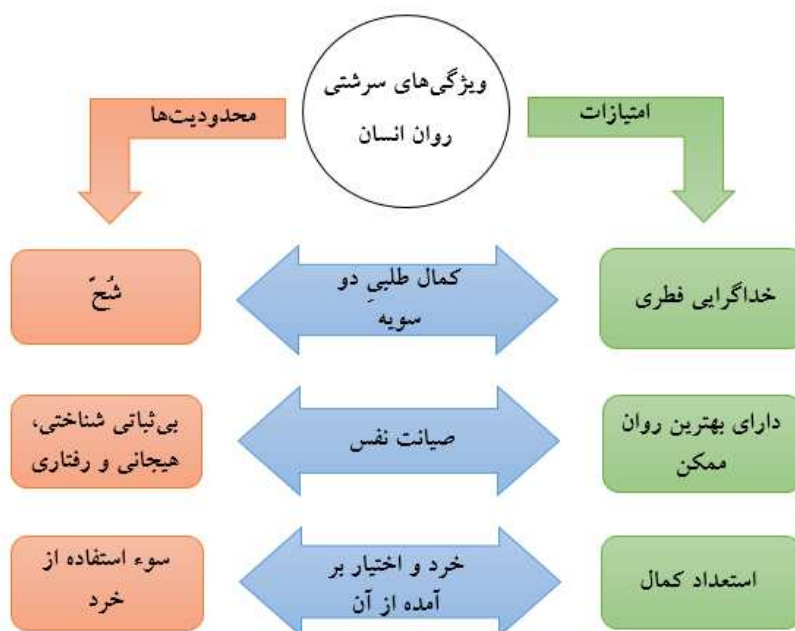
مقولات	زیرمقولات	مفاهیم	
امتیازات	خداگرایی فطری	خداشناسی فطری	
		سرشت خداشناس	دینداری فطری
		ایمنی‌جویی از خدا	رفع خطای شناختی شرک‌آلود در شرایط سخت یاد کردن خدا در سختی‌ها
	دارای بهترین روان ممکن	دارای بهترین خلق ممکن به جهت جسم و روان	توانایی قضاوت
	استعداد کمال	مختار	اراده آزاد
		دارای استعداد رسیدن به کمالات الهی	استعداد فهم استعداد رسیدن به کمالات الهی
		شح	بخل و حرص
شح			شح (حرص بعلاوه بخل)
محدودیت‌ها	بی‌ثباتی شناختی	ناسپاسی	
		خطای شناختی در فراموشی دشواری‌ها	
		خطای هاله‌ای در ارزیابی مثبت	
		خطای هاله‌ای در ارزیابی منفی	
		اسناد موفقیت‌ها به خود	
		افسانه شخصی در خاص پنداری خود	
	بی‌ثباتی هیجانی	فراموش کردن لطف الهی	
		واکنش‌های هیجانی در سختی‌ها	
		پأس در مقابل سختی‌ها	
		ضعف در مقابل شهوات	
	بی‌ثباتی رفتاری	عجله	
		طغیان در صورت احساس بی‌نیازی	
		جدال کردن در مورد قیامت برای باز کردن راه ارضای امیال	
سوء استفاده از خرد	استفاده از خرد برای ارضای امیال	خودآگاهی نسبت به امیال با وجود بهانه تراشی	
	بحث و جدال با آفریدگار	بحث و جدال با آفریدگار	

مفاهیم	زیرمقولات	مقولات	
دارای دو بعد الهی و خاکی	کمال طلبی دوسویه	تبیین‌گر رابطه خداگرایی فطری و شُخ	تبیین‌گر رابطه امتیازات و محدودیت‌ها
رنج کشیدن برای حفظ حیات	صیانت نفس	تبیین‌گر رابطه بهترین روان ممکن با بی‌ثباتی شناختی، هیجانی و رفتاری	
کرامت ذاتی	خرد و اختیار بر آمده از آن	تبیین‌گر رابطه استعداد کمال و سوء استفاده از خرد	

نتایج پژوهش

براساس این مقوله‌بندی، روان انسانی به صورت سرشتی شامل سه دسته امتیاز، سه دسته محدودیت و ویژگی‌های تبیین‌گر رابطه امتیازات و محدودیت‌ها است. در بخش امتیازات، انسان به‌طور سرشتی «دارای بهترین روان ممکن»، «فطرتاً خداگرا» و «واجد استعداد کمال» است. در بخش محدودیت‌ها نیز روان انسانی به صورت سرشتی، مبتلای به «شخ»، «بی‌ثباتی شناختی، هیجانی و

رفتاری» و «سوء استفاده از خرد» است. ویژگی‌های مزبور در بخش امتیازات و محدودیت‌ها به صورت دو به دو متناظرند و زیرمقولات «کمال طلبی دوسویه»، «صیانت نفس» و «خرد و اختیار برآمده از آن» به ترتیب رابطه بین آن مقولات متناظر را تبیین می‌کنند.



(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۳). «طبیعت انسان‌ها» همان فطرت توحیدی می‌باشد (روم، ۳۰) و این «تربیت» خانواده و فرهنگ است که کودکان را از دین الهی منحرف می‌کند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۹). شرک نوعی «خطای شناختی» است که در شرایط سخت از بین می‌رود و هر آنچه غیر از خدا که انسان به آن امید داشت، فراموش می‌شود (اسراء، ۶۷) و فرد خدا را می‌خواند (زمر ۸ و ۴۹؛ یونس، ۱۲).

این جمع‌بندی، نه مانند فروید نگاهی یکسره منفی به انسان دارد و نه همچون انسان‌گراها نگاهی یکسره مثبت، بلکه او را معجونی از ویژگی‌های مثبت و منفی متناظر می‌داند.

کمال طلبی دوسویه

انسان‌ها دارای فطرتی خداشناس هستند (اعراف، ۱۷۲). همه انسان‌ها به لحاظ شناختی، آگاه به خالق خود متولد می‌شوند

جهت جسمی و روانی است (برنجکار، ۱۳۹۳، ص ۹۶)؛ با این حال در ذکر محدودیت‌های روان انسانی، مقوله «بی‌ثباتی شناختی، هیجانی و رفتاری» نیز وجود دارد. «صیانت نفس» تبیین‌گر توأمانی این دو صفت روانی در انسان است. توضیح اینکه با توجه به محدودیت‌های عالم ماده، سائق‌های روانی می‌توانند به‌عنوان برانگیزاننده برای حفظ حیات و صیانت نفس نقش‌آفرینی کنند؛ سائق‌هایی که هرچند موجب بی‌ثباتی او در ابعاد گوناگون می‌شوند، اما خدشه‌ای بر بی‌نقص بودن خلقت او وارد نمی‌سازند، چون اقتضای عالم ماده و محدودیت‌های دنیا همین بوده است که خداوند او را دارای غرائز و هیجانات بیافریند. با این حال تذکر بسیار قرآن نشان می‌دهد که انسان باید نسبت به این بی‌ثباتی خودآگاه باشد. او به هنگام نیاز، عجز و کم‌طاقت است و به محض اینکه نیازش ارضا شود، سریعاً آن دشواری‌ها را فراموش می‌کند. این ویژگی‌ها تداعی‌کننده مفهوم اید در نظریه فروید است، اما نمی‌توان پذیرفت که اینها «بن» و حقیقت اصلی وجود انسان است و همین امر نشان از بدطینتی او دارد؛ زیرا با وجود این صفات، او دارای بهترین خلقت ممکن معرفی شده است.

از سوی دیگر، از آنجاکه افزایش تعداد دفعات ذکر یک مطلب در قرآن، نشان از اهمیت ثبوتی آن است (پيامی، ۱۴۰۰، ص ۱۹۳-۱۹۴)، اینکه از مجموع ۵۶ مفهوم کدگذاری شده در مورد ویژگی‌های روانی انسان، ۳۰ مورد به بی‌ثباتی او اشاره داشت، مشخص می‌کند که این مطلب اهمیت ویژه‌ای دارد؛ در این راستا روایات معتبری صبر را به‌عنوان «رأس الایمان» معرفی می‌کنند؛ همان‌طور که بدن انسان با جدا شدن سر از بین می‌رود، ایمان هم با جدا شدن صبر از بین می‌رود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۷).

با توجه به اینکه بی‌صبری ویژگی اساسی انسان‌هاست، حتی مؤمنین (آل عمران، ۲۰۰؛ انفال، ۴۶ و...) و پیامبر ﷺ نیز بارها به صبر دعوت شده‌اند (احقاف، ۳۵؛ قلم، ۴۸ و...). همچنان‌که در هنگامه فتح و پیروزی نیز به جای رفتارهای هیجان‌زده و مانیایی، خداوند پیامبرش ﷺ را به تسبیح الهی و استغفار امر می‌کند (سوره فتح).

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که هرچند به‌واسطه وجود ابعاد ممتاز نمی‌توان انسان را اساساً بدطینت ارزیابی کرد، اما او

اما افزون بر فطرت الهی، انسان بعدی مادی نیز دارد (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۹). بعد مادی انسان از لجنی متعفن آفریده شده است و آن هنگام که خداوند از روح خود در آن دمید، مسجود ملائک شد: «و یاد کن [هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من بشری از گل خشک می‌آفرینم که برگرفته از لجنی متعفن و تیره رنگ است. پس چون او را درست و نیکو گردانم و از روح خود در او بدمم، برای او سجده‌کنان بیفتید» (حجر، ۲۸ و ۲۹). در همین راستا مطهری انسان را موجودی زشت و زیبا می‌خواند (۱۳۹۲، ص ۶۰). در بعد مادی، سرشت روانی انسان بخیل است (اسراء ۱۰۰؛ معارج، ۲۱). افزون بر میل به حفظ دارایی‌ها، او حرص شدیدی برای کسب مال بیشتر دارد (فصلت ۴۹، عادیات، ۸). مجموع این دو صفت، یعنی بخل و حرص به «شح» تعبیر می‌شود (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۳). هر چند انسان‌ها ذاتاً مبتلای به شح نفس هستند (نساء ۱۲۸)، اما امکان محدودسازی آن نیز وجود دارد (حشر، ۹؛ تغابن، ۱۶).

وجود دو بعد الهی و خاکی موجب کمال‌گرایی دوسویه می‌شود. کمال‌گرایی دوسویه، تبیین‌گر خداگرایی فطری و شح نفس است، چون هرگاه در شناخت، هیجان و رفتار، بعد الهی غالب باشد؛ آنگاه خداگرایی مکنون در فطرت انسانی ظهور می‌کند و اگر بعد خاکی غالب شود، آنگاه دچار خطای شناختی شده، کمال خود را در مال بیشتر و بی‌پایان جستجو می‌کند (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۷). به بیان دیگر هرچند «کمال‌گرایی» صراحتاً به‌عنوان یکی از ویژگی‌های روانی انسان معرفی نشده است، اما با تحلیل مضامین «خداگرایی فطری» و «شح» و نیز با توجه به خلقت دوبعدی انسان به مضمون «کمال‌گرایی دوسویه» پی می‌بریم. با این حال باید توجه داشت که «کمال‌گرایی دوسویه» صرفاً نقش تفسیری دارد و با توجه به توقیفی بودن الفاظ قرآن، خود «خداگرایی فطری» و «شح نفس» خصوصیت دارند و باید در کانون توجه بمانند.

صیانت نفس

براساس آیه ۴ سوره تین^۱، انسان واجد بهترین خلقت ممکن از

۱. لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَن تَقْوِيمٍ؛ به یقین ما انسان را در بهترین اعتدال و استقامت (در جسم و روان) آفریدیم.

باشد (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵ و ۴)؛ همچنین سوء اختیار و بهره نبردن درست از این توانمندی، او را از چارپایان نیز فروتر می‌برد: «آیا گمان می‌کنی بیشتر آنان [سخن حق را] می‌شنوند، یا [در حقایق] می‌اندیشند؟ آنان جز مانند چارپایان نیستند، بلکه آنان گمراه‌ترند!» (فرقان، ۴۴).

بحث و نتیجه‌گیری

بر این اساس روشن می‌شود که قرآن نگاهی منسجم و نظام‌مند نسبت به ویژگی‌های مشترک روان انسانی دارد. این نگاه را نه تنها نمی‌توان جزء نگاه‌های خوش‌بینانه و یا بدبینانه به انسان طبقه‌بندی کرد، بلکه لحاظ اولیات روان انسانی، خلاف پیش‌فرض رفتارگرایانی چون واتسون است که در دوگانه طبیعت- تربیت، یکسره جانب تربیت را می‌گرفتند (السون و هرگنهان، ۱۳۹۹، ص ۸۸). پس نگاه قرآن به ماهیت انسان را در هیچ یک از سه دسته ساینکتون نمی‌توان گنجانند. قرآن تبیین خاص خود از انسان را دارد که نسبت به سایر تبیین‌ها جامع‌تر است، زیرا در نگاه قرآن، هم ویژگی‌ها و ظرفیت‌های مثبت انسان در نظر گرفته می‌شود و هم محدودیت‌های او.

در قسم اول، خداگرایی فطری بخش مهمی از ویژگی‌های سرشتی روان انسان است. او بهترین روان ممکن و استعداد کمال را دارد.

در قسم دوم، یعنی محدودیت‌های انسان نیز کمال‌طلبی دوسویه می‌تواند به غالب شدن شح بینجامد. جدی‌ترین محدودیت سرشتی روان انسانی، بی‌ثباتی شناختی، هیجانی و رفتاری است، اما برخلاف دیدگاه جبرگرای فرویدی، هرچند با تکرار تذکر نسبت به بی‌صبری انسان، قرآن نسبت به این ضعف‌های اولیه توجه ویژه داده است، اما این محدودیت‌ها نافی اختیار و استعدادش برای رسیدن به کمال نیست؛ بلکه حتی این محدودیت‌ها مستلزم نقص و بدطیبتی انسان هم نیست! چون روان انسان بهترین خلقت ممکن را دارد و محدودیت‌های انسان، اقتضای محدودیت‌های عالم ماده و برای «صیانت نفس» می‌باشد. در نهایت فراتر از نگاه صرفاً مثبت روان‌شناسان وجودی به اختیار و خرد، اسلام به امکان سوءاستفاده از این توانمندی خدادادی نیز اشاره می‌کند. از یک سو «خرد و اختیار برآمده از

به‌شدت در معرض رفتارهای بی‌ثبات است. این کثرت ابتلا می‌تواند توجیه‌کننده توجه ویژه فروید به اید باشد.

خرد و اختیار برآمده از آن

انسان دارای کرامت ذاتی است. خدا او را تکریم کرد و بر بسیاری از مخلوقات فضیلت داد (اسراء، ۷۰). اصل و بنیاد انسان عقل^۱ اوست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۵) و مهم‌ترین وجه فضیلت یافتن انسان بر بسیاری از مخلوقات، همین توانمندی است (برنجکار، ۱۳۹۳، ص ۹۵).

انسان، مختار و دارای استعداد رسیدن به کمالات است. رسکورلا (۱۹۸۸) نشان می‌دهد که خلاف دیدگاه‌های جبری رفتارگرایان، ابعاد شناختی نقش ویژه‌ای در پاسخ‌های ارگانیسم دارند. توجه به ابعاد شناختی و معنایی در کتاب انسان در جستجوی معنا (فرانکل، ۱۳۹۹) به اوج خود می‌رسد. اتفاقی نیست که در مکتب انسان‌گرایی به دو مفهوم «اختیار» و «معنا» اهمیت ویژه داده می‌شود. برای کنار زدن جبرگرایی، انسان نیاز به قدرت تفکر دارد. خلاف تصور اسکینر، انسان صرفاً محرک و پاسخ نیست، بلکه او دارای شناخت است و می‌تواند بیندیشد و انتخاب کند. پس لازمه مختار بودن انسان، وجود قدرت تفکر است؛ با وجود این، خرد می‌تواند در خدمت شهوات نفسانی قرار گیرد و انسان بدان جا رسد که با بعید دانستن زنده شدن استخوان‌های پوسیده (پس، ۷۸) و تمسک به نامعلوم بودن زمان قیامت (قیامت، ۵ و ۶)، حسابرسی نسبت به اعمال را زیر سؤال برد و به مخلوقی بدل شود که بیشترین جدال را با (احکام) خدا دارد (کهف، ۵۴).

بنابراین «خرد و اختیار برآمده از آن» توضیح می‌دهد که چگونه با وجود آنکه انسان به‌طور سرشتی امکان «سوءاستفاده از خرد» را دارد، اما برای داشتن «استعداد کمال» نیاز به ودیعه نهادن این قوه توسط خدا در انسان بوده است. افزودن عقل بر شهوت در انسان‌ها، برخلاف حیوانات موجب شده است که در صورت غلبه عقل بر شهوت، انسان استعداد برتری بر ملانک را نیز داشته

۱. «عقل» آن چیزی است که به واسطه او، خدا اطاعت می‌شود و شبیه به «نکراء» و «شیطنت» است که در جهت اهداف سوء به کار می‌رود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۰). پس اگر منظور از خرد مصادیق مثبت آن باشد، می‌توان از تعبیر «عقل» استفاده کرد.

موارد یادشده، دو نمونه از راه‌های بیان شده در قرآن برای پوشش محدودیت‌های سرشتی روان انسانی بود. از دیدگاه نظری، تک‌تک این راه‌ها را می‌توان در طرح‌های همبستگی، علمی-مقایسه‌ای و یا آزمایشی مطالعه کرد.

همچنین این چارچوب می‌تواند مبنایی برای شناسایی اختلالات روانی در چارچوب اسلامی باشد؛ برای مثال با توجه به فطرت خداگرای انسان‌ها، انکار خدا می‌تواند یک نابهنجاری روانی دانسته شود که ناشی از رفتارهای فرد و یا تأثیرات محیط باشد.

با توجه به ویژگی فراعصری قرآن و بیان شدن اصول اساسی هدایت انسان در آن، با کاربست روش مراعات کبائر قرآنی (پيامی، ۱۴۰۰، ص ۶۶)، می‌توان یافته‌های این مطالعه را در انجام پژوهش‌هایی درباره نظریه شخصیت قرآنی استفاده کرد. توضیح اینکه در رویکرد صفات، نظریات شخصیت مختلفی وجود دارد که هر یک با گردآوری و تقلیل صفات از لغت‌نامه‌ها یا ... به صفات محوری گوناگونی برای تبیین شخصیت رسیده‌اند. طبعاً مراجعه به کلام خالق انسان، فرضیه‌های عالمانه‌تری جهت بررسی و شناسایی صفات (عوامل) محوری شخصیت ارائه می‌دهد؛ برای نمونه دیدیم که «شادی و غم» و «اضطراب و آرامش» از محورهای شخصیت‌شناسی قرآنی نیست و ارزش آنها به متعلقشان بستگی دارد! ولی «ثبات یا بی‌ثباتی شخصیت» و یا «خداگرایی و نبود آن» در تقسیم‌بندی شخصیت‌ها براساس متن مقدس، نقش ویژه‌ای دارد و می‌توان با تحلیل عاملی و سایر روش‌های علمی، صفات محوری از دیدگاه قرآن را در قالب یک نظریه شخصیت تبیین کرد.

در بعد کاربردی نیز از چارچوب ارائه شده در این تحقیق می‌توان در ساخت ابزارهای سنجش سلامت روان بهره جست؛ همچنان‌که این چارچوب، نظامی برای تبیین اختلالات روانی براساس محدودیت‌های اولیه روان انسانی ارائه می‌دهد. از دوگانه‌های این محدودیت‌ها و نیز راه‌های ترمیم شمرده شده، می‌توان برای تولید بسته‌های مداخله‌ای و درمانی استفاده کرد.

همچنین نظر به اینکه محدودیت‌های انسانی گردآوری شده در این پژوهش، شامل همه انسان‌ها می‌شود؛ ترمیم هر یک از این ویژگی‌ها و ارتقای سلامت روان در آن حوزه، نه تنها می‌تواند در

آن،^۱ لازمه استعداد کمال و موجب کرامت ذاتی است و از سوی دیگر امکان سوءاستفاده و سقوط را ایجاد می‌کند.

در مقوله کرامت ذاتی نیز تفاوت‌هایی بین کرامت ذاتی انسان در قرآن و کرامت ذاتی انسان در نزد روان‌شناسان وجودی دیده می‌شود. تاکنون پژوهش‌های فراوانی در بررسی تطبیقی کرامت انسانی در اسلام با کرامت انسانی در روان‌شناسی و به‌طورکلی غرب انجام شده است که از جمله آنها می‌توان به تحقیق بدری گرگری، ابراهیمی و محمدی (۱۳۹۵) اشاره کرد.^۱

تلویحات کاربردی

قرآن کریم صرفاً به بیان امتیازات و محدودیت‌ها بسنده نمی‌کند، بلکه از آنجا که این کتاب برای هدایت مردم نازل شده (بقره، ۱۸۵)، پروردگار در آن به راه‌های ترمیم محدودیت‌های اولیه انسان و رسیدن به کمال هم اشاره کرده است؛ برای مثال در سوره تین می‌فرماید: انسانی که در بهترین هیئت ممکن آفریده شده است، به واسطه گناهان خود به پست‌ترین جایگاه‌ها می‌رود؛ مگر کسانی که ایمان ورزیده و عمل صالح انجام دهند. پس راه رسیدن انسان به کمالات، ایمان ورزیدن و عمل صالح است.

اما باز هم به همین اندازه بسنده نمی‌شود و در سوره معارج تفصیلات بیشتری بیان می‌شود. در آنجا پس از آنکه می‌فرماید انسان هلوع آفریده شده است؛ یعنی به هنگام مواجهه با سختی بی‌تابی می‌کند و به هنگام مواجهه با خیر و خوشی بسیار بخیل و بازدارنده است، بلافاصله «مصلین» را از این ویژگی اولیه انسانی استثنا می‌کند تا مشخص شود چطور می‌توان این محدودیت‌های اولیه را ترمیم کرد. اسم بودن مصلین دلالت بر ثبوت دارد و فراتر از تعبیر فعلی آن است. در آیات بعدی ویژگی‌های «مصلین» را به این شکل برمی‌شمرد: پایداری بر نماز، وجود حق معلوم برای سائل و محروم، باور مداوم به روز جزا، بیمناکی از عذاب الهی، حفظ عفت، امانت و پیمان، پایبندی بر ادای شهادت و محافظت از نماز.

۱. گاهی از «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره ۳۰) به‌عنوان یکی از کرامت‌های ذاتی انسان در قرآن استفاده شده است، اما باید توجه داشت که حتی اگر بپذیریم در اینجا خلیفه به معنای جانشین خدا (و نه انسان‌های پیشین) باشد، باز هم این جانشینی مخصوص معصوم (علیه السلام) است و نه جمیع انسان‌ها (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۸۰؛ برنجکار، ۱۳۹۳، ص ۱۰۱).

نظریه‌های درمان مفید باشد، بلکه در جهت افزایش سطح «بهداشت روانی» هم قابل استفاده است؛ برای مثال انسان‌ها به‌طور سرشتی بی‌ثبات هستند. پس حتی فردی نیز که از این جهت دچار اختلال نیست، می‌تواند با استفاده از تجویزهای قرآنی (همانند مثال‌هایی از سوره معارج) سطح ثبات روانی خود را ارتقا دهد؛ برای نمونه دیدیم که «فراموش کردن نعمات» در

ذات همه انسان‌هاست، پس حتی برترین انسان‌ها نیز مخاطب خدا برای ترمیم این محدودیت هستند، مثلاً در سوره ضحی برای ارتقای بیشتر سطح سلامت روان پیامبر ﷺ توسط خداوند سه تکنیک رفتاری (لطافت با ایتام، به تلخی نراندن سائل و به زبان آوردن نعمات الهی) به پیامبر ﷺ آموزش داده می‌شود.

منابع

۱۲. چالمرز، آلن اف (۱۳۹۴)، چستی علم: در آمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی، ترجمه سعید زیباکلام، چ ۱۵، تهران: انتشارات سمت.
۱۳. حاج ابوالقاسم دولابی، محمد (۱۳۹۷)، فراعصری بودن قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۴. خسروپناه، عبدالحسین و رضا میرزایی (۱۳۸۹)، «چستی انسان‌شناسی»، انسان‌پژوهی دینی، س ۷، ش ۲۴، پاییز و زمستان، ص ۳۵-۵۶.
۱۵. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۸)، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۶. رجبی، محمود (۱۳۹۵)، «انسان سالم و شخصیت سالم از دیدگاه قرآن»، همایش ملی سلامت از دیدگاه قرآن کریم، دوره ۲.
۱۷. سایپنگتون، اندرو (۱۳۹۹)، بهداشت روانی، ترجمه حمیدرضا حسین‌شاهی برواتی، چ ۱۴، تهران: نشر روان.
۱۸. سالاری‌فر، محمدرضا؛ مسعود آذربایجانی؛ سیدمهدی موسوی اصل؛ اکبر عباسی و محمد کاویانی (۱۳۹۸)، روان‌شناسی اجتماعی بانگرس به منابع اسلامی، چ ۷، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۹. السون، متیو. هرگنهان، بی آر. (۱۳۹۹)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه علی اکبر سیف، چ ۳۶، تهران: نشر دوران.
۲۰. شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۹)، «روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی: مبانی نظری و مراحل اجرا»، مطالعات اسلام و روان‌شناسی، س ۱۴، ش ۲۷، پاییز و زمستان، ص ۴۱-۷۳.
۲۱. شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۵)، «ساختار شخصیت بر اساس منابع اسلامی در چارچوب رویکرد صفات»، فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، ش ۲، بهار، ص ۱۰۵-۱۴۲.
۲۲. شولتز، دوان پی. شولتز، سیدنی الن (۱۳۹۶)، تاریخ روان‌شناسی نوین، ترجمه علی اکبر سیف؛ حسن شریفی؛ حسن پاشا؛ خدیجه علی‌آبادی و جعفر نجفی‌زند، چ ۱۹، تهران: نشر دوران.
- * قرآن کریم، ترجمه علی مشکینی (۱۳۸۹)، تهران: مرکز طبع و نشر قرآن کریم.
- * قرآن مبین، ترجمه حسین انصاریان (۱۳۹۱)، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری المقربون.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵)، علل الشرائع، قم: داوری.
۴. ابوالمعالی، خدیجه (۱۴۰۰)، پژوهش کیفی از نظریه تا عمل، تهران: نشر علم.
۵. اژه‌ای، جواد (۱۳۸۵)، «انسان قرآن از دیدگاه فردی و اجتماعی»، روان‌شناسی و علوم تربیتی، س ۳۶، ش ۳ و ۴، ص ۱-۲۳.
۶. اصفهانی خالقی، آتنا (۱۳۹۴)، «بررسی شخصیت و ویژگی‌های شخصیت سالم از دیدگاه اسلام»، دومین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران.
۷. آذربایجانی، مسعود (۱۳۷۵)، «انسان کامل (مطلوب) از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی»، روش‌شناسی علوم انسانی، حوزه و دانشگاه، ش ۹، ص ۶-۲۱.
۸. بدری گرگری، رحیم؛ امید ابراهیمی و دل‌آرام محمدی (تابستان ۱۳۹۵)، «بررسی ابعاد و آثار کرامت انسان از دیدگاه امام رضا (علیه السلام) و مکاتب روان‌شناسی»، فصلنامه علمی-پژوهشی فرهنگ رضوی، س ۷، ش ۲، ص ۱۰۱-۱۳۵.
۹. برک، لورا (۱۳۹۹)، روان‌شناسی رشد، به نقل از یحیی سیدمحمدی، تهران: ارسباران.
۱۰. برنجکار، رضا (۱۳۹۳)، انسان‌شناسی اسلامی، قم: دفتر نشر معارف.
۱۱. پیامی، رضا (۱۴۰۰)، سنن مبین برای زندگی بشر نوین: شرح سوره مبارکه نساء، تهران: نشر نارنگی.

۲۳. صالحی، اکبر و زهرا مهربان (۱۳۸۷)، «بررسی انسان‌شناسی اسلامی و انسان‌شناسی وجودگرا و مقایسه آنها»، تربیت اسلامی، دوره ۳، ش ۷، ص ۱۳۹-۱۶۰.
۲۴. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۵. علایی رحمانی، فاطمه؛ خضر پاک‌نیت و فهیمه غلامی‌نژاد (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی ساختار شخصیت و ابعاد آن از دیدگاه قرآن کریم و روان‌شناسی»، دوفصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، ش ۱۰، بهار و تابستان، ص ۱۳۹-۱۶۰.
۲۶. علوی‌نژاد، سیدحیدر (۱۳۷۷)، «انسان سالم از دیدگاه قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، ش ۱۵ و ۱۶ (ویژه‌نامه انسان‌شناسی)، ص ۱۷۲-۲۰۷.
۲۷. فرانکل، ویکتور (۱۳۹۹)، انسان در جستجوی معنا، ترجمه فروزنده دولت‌یاری، ج ۴، تهران: نیک‌فرجام.
۲۸. فقیهی، علی‌نقی (۱۳۹۸)، «ویژگی‌های زیربنایی روان‌شناختی فطری انسانی برای تربیت مطلوب در دوره نوجوانی؛ با تأکید بر دیدگاه اسلامی»، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، دوره ۷، ش ۱۷، زمستان، ص ۷۵-۱۰۰.
۲۹. قائدی، محمدرضا و علیرضا گلشنی (۱۳۹۵)، «روش تحلیل محتوا، از کمی‌گرایی تا کیفی‌گرایی»، روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ش ۲۳، بهار، ص ۵۷-۸۲.
۳۰. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، تفسیر القمی، تصحیح طیب موسوی جزائری، ج ۳، قم: دارالکتاب.
۳۱. قنبرپور، زهرا؛ مهناز علیزاده بنیسی و فاطمه سادات نجم‌الهدی (۱۳۹۴)، «تحلیل موضوعی شخصیت سالم از منظر قرآن و مقایسه آن با دیدگاه‌های روان‌شناسی»، کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی.
۳۲. کاویانی، محمد (۱۳۹۵)، روان‌شناسی در قرآن؛ مفاهیم و آموزه‌ها، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۳. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحارالأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۵. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۷)، انسان‌شناسی از منظر قرآن و حدیث، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث.
۳۶. مرعشی، سیدعلی (۱۴۰۰)، درس‌نامه روان‌شناسی اسلامی، اهواز: معتبر.
۳۷. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۳)، انسان‌شناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۸. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۹. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، انسان در قرآن، تهران: صدرا.
۴۰. مطهری، مرتضی (۱۳۹۲)، انسان‌شناسی قرآن، تهران: صدرا.
۴۱. نجاتی، محمد عثمان (۱۳۶۷)، قرآن و روان‌شناسی، ترجمه عباس عرب، مشهد: آستان قدس رضوی.
۴۲. یالوم، اروین (۱۳۹۹)، روان‌درمانی اگزستانسیال، ترجمه سپیده حبیب، ج ۱۴، تهران: نشر نی.
43. Hsieh, Hsiu-fang, Shannon, Sarah E. (2005), "Three Approaches to Qualitative Content Analysis", Qual Health Res, vol. 15: 1277-1288.
44. Mariette Bengtsson (2016), "How to plan and perform a qualitative study using content analysis", NursingPlus Open, vol. 2: 8-14
45. Popper, k. (1963), "Conjectures and refutations", New York: Basic Books.
46. Rescorla, R. A. (1988), "Pavlovian conditioning: It's not what to think. American psychologist", 43. 151-160.
47. Yan Zhang. Barbara M. Wildemuth, (2005), "Qualitative Analysis of Content", Human Brain Mapping 30 (7): 2197-2206.